



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۱)

رشته های ریاضی و فیزیک - علوم تجربی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه





وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب:** عربی، زبان قرآن (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۶
- پدیدآورنده:** سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:** دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:** حبیب تقوایی، علی جان بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلبری، سیدمهدی سیف و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری:** اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی:** عادل اشکبوس، محی‌الدین بهرام محمدیان، علی چراغی، اباذر عباچی و حمید محمدی (اعضای گروه تألیف) - عادل اشکبوس (سرگروه تألیف) - سیداکبر میرجعفری (ویراستار)
- نشانی سازمان:** تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ:** چاپ هفتم ۱۴۰۱

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۹۹-۲
ISBN: 978-964-05-2499-2

قال الإمام الخميني (قده سيده):

«اللغة العربية لنا؛ لأنها لغة

الإسلام، والإسلام للجميع.»

صحيفة امام خميني (قده سيده)

جلد ١١ . صفحة ٢٢٧



کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

أَلْفِهْرِس

■ **الف** | | **پیشگفتار**

■ **الدرس الأول** | | **۱**

..... ذاك هو الله + التّعارف

■ **الدرس الثاني** | | **۱۵**

..... أَلْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ + الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ + فِي مَطَارِ النَّجَفِ

■ **الدرس الثالث** | | **۲۹**

..... مَطَرُ السَّمَكَ + أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (۱) + فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ

■ **الدرس الرابع** | | **۴۷**

..... التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ + أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (۲) + فِي صَالَةِ التَّفْتِيْشِ

■ **الدرس الخامس** | | **۶۳**

..... ﴿هَذَا خَلَقَ اللَّهُ﴾ + الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَ الْإِسْمِيَّةُ + مَعَ سَائِقِ سَيَارَةِ الْأُجْرَةِ

■ **الدرس السادس** | | **۷۹**

..... ذَوَالْقَرْنَيْنِ + الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ + مَعَ مَسْئُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ

■ **الدرس السابع** | | **۹۱**

..... يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ + الْأَجَارُ وَ الْمَجْرورُ وَ نونُ الْوَقَايَةِ + مَعَ مُشْرِفِ

..... خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ

■ **الدرس الثامن** | | **۱۰۷**

..... صِنَاعَةُ التَّلْمِيْعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ + إِسْمُ الْفَاعِلِ وَ إِسْمُ الْمَفْعُولِ وَ إِسْمُ الْمُبَالِغَةِ +

..... شِرَاءُ شَرِيحَةِ الْهَاتِفِ الْجَوَالِ

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به‌دقت مطالعه کرده باشد؛

۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد؛

۳. کتاب معلم را با دقت کافی مطالعه و بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش نخستین کتاب «عربی، زبان قرآن (۱)» ویژه پایه دهم رشته‌های ریاضی و فیزیک و علوم تجربی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه دهم بتواند در پایان سال تحصیلی متون و عبارات ساده قرآنی را در حد ساختارهای خوانده‌شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

این کتاب با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی هفتم تا دهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

هدف اصلی، فهم متن به‌ویژه فهم قرآن کریم و نیز متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است به استناد برنامه درسی ملی؛ مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

(رعایت این تأکیدات در کنکور و مسابقات علمی، امتحان نوبت اول و دوم و کتاب‌های کمک آموزشی الزامی است. این نوشته به منزله بخشنامه رسمی است.)

۱. کتاب عربی پایه دهم در هشت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. این مقدار زمان در مجموع برای تدریس کل کتاب در طول سال کفایت می‌کند.

۲. دانش‌آموز پایه دهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی.

هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این است که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزیز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است.

در ساعت‌خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۳. درس اول دورهٔ آموخته‌های پیشین است و در هفت درس دیگر نیز این مرور انجام شده است.

۴. در درس دوم عددها آموزش داده می‌شود. در دورهٔ اول متوسطه عددهای اصلی و ترتیبی تا دوازده آموزش داده شده است. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده شده است. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست.

۵. دانش‌آموزان در دورهٔ اول متوسطه با فعل‌های مجرد و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند و در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید، مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند اَمَنْ، اِبْتَسَمَ، اَتَى، اَجَابَ، اَحَبَّ، اِحْتَرَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَذَرَ، زَادَ و ... هدف آموزشی درس سوم و چهارم این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شوند که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص ثلاثی مجرد و مزید و ذکر نوع باب و صیغهٔ فعل از اهداف آموزشی نیست. **فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هر گونه فعلی که تغییرات پیچیدهٔ صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب فعل «استفاد» به کار رفته و فعل استفعل نیز آموزش داده شده است؛ از فعل اِسْتَفَدَ سؤال طرح نمی‌شود؛ ولی اگر معنای اِسْتَفَادَتَ را در جمله بخواهیم، اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَفَادَ ندارد.**

۶. در درس پنجم جملهٔ اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اِعراب کلمات هدف نیست. کتاب کاملاً حرکت‌گذاری شده است تا دانش‌آموز با خواندن متون و عبارات ذوق پیدا کند و به تدریج با اِعراب کلمات آشنا شود.

۷. در درس ششم فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند؛ تبدیل جملهٔ دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست.

۸. در درس هفتم معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله درست تشخیص داده و ترجمه کند.

۹. در درس هشتم مهم‌ترین وزن‌های اسم‌های مشتق تدریس می‌شود. فقط شناخت نوع آنها و دانستن معنایشان مطلوب است. تشخیص جامد از مشتق و ساختن اسم مشتق از فعل ارائه شده هدف کتاب نیست.

۱۰. نیازی به ارائهٔ جزوهٔ مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۱. پژوهش‌های هر درس، نمایش، سرود، ترجمهٔ تصویری و داستان‌نویسی، کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود.

۱۲. تحلیل صرفی و اِعراب، تعریب، تشکیل و اِعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۳. آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های متوسطهٔ اول بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این گونه بود: «هو، هما، هم، هی، هما، هن، انت، انتما، انتم، انت، انتما، انتن، انا، نحن». شیوهٔ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند.

۱۴. تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۵. معنای کلمات در امتحان در جمله خواسته می‌شود.

۱۶. در بخش أنوار القرآن فقط معنای کلماتی مد نظر است که به شکل «جای خالی»، «زیرخط‌دار» یا «دو گزینه‌ای» طراحی شده است. به عبارت دیگر معنای سایر کلمات، هدف نیست. ضمناً این بخش برای کار در منزل است و دبیر فقط در صورت داشتن وقت می‌تواند در کلاس کار کند؛ اما در هر حال در امتحان از آن سؤال طرح می‌شود.

۱۷. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۸. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است تا به دفتر تمرین نیازی نباشد.

۱۹. از طریق وبگاه دفتر تألیف می‌توان با نحوه تهیه کتاب معلم، بارم‌بندی و نمونه سؤال استاندارد آشنا شد. همچنین در شبکه ملی مدارس (رشد) اطلاعات سودمند بسیاری را می‌توان به دست آورد.

۲۰. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از دوره اول متوسطه به دوره دوم متوسطه آمده‌اند.

www.arabic-dept.talif.sch.ir

نشانی وبگاه گروه عربی:

سخنی با دانش‌آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث و دعاست؛ زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است؛ زبانی کامل، پرمعنا و قوی است؛ ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در سه سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. برای یادگیری هر زبانی باید بسیار تکرار و تمرین کرد. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، پیش مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید و درست بفهمید و ترجمه کنید، خودبه‌خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی و به هنگام سخنرانی استفاده کنید.

در صفحه ورودی هر درس، با استفاده از رمزینخوان می‌توانید به «کتاب گویا» و «فیلم آموزشی» آن درس دسترسی پیدا کنید.

ترجمه متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الأنعام: ١

ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و

تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ آن همان خداست

ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضْرَةِ
دارای شاخه‌های نقره‌تازه
وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَهُ
و چگونه درخت شده است
يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ
از آن میوه بیرون می‌آورد

أَنْظُرُ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ
نگاه کن به آن درخت
كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ
چگونه از دانه ای رشد کرده
فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي
پس جستجو کن و بگو چه کسی



جَذْوَتِهَا مُسْتَعْرَهُ
پاره آتشی آن فدوزان است
حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ
حرارتی پخش شده است
فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرِ
در آسمان مثل پاره آتش

وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي
و نگاه کن به خورشیدی که
فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا
در آن روشنایی و به وسیله آن
مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا
این کیست که آن را آفریده است



أَنْعُمُهُ مِنْهُمْ رَهْمَةٌ
نعمت‌هایش بر آنان است
وَ قُدْرَةٌ مُقْتَدِرَةٌ
و نیرویی پرتوان است

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي
آن همان خداست که
ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَيْهِ
دارای دانایی کامل

۱- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّصَافِيِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْيِ النَّسَبِ وَ أُمُّ تُرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشُّعْرِ.



أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ نَظَاهُ كَنْ بِه نَبْ بِي بِه كَيْ اسْتِ
 وَأَنْ رَا بَا سْتَارُكَانِي زِينَتِ رَادَةٌ اسْتِ
 وَأَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ
 دَرَّانِ مَاهِ رَا قَدَارِ دَادَةٌ اسْتِ
 كَالدَّرِّ الْمُنْتَشِرَةِ
 مَانَدِ مَرَوَارِدِ هَايِ بِخَشَنَتْمَدَه



وَأَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ
 وَنَظَاهُ كَنْ بِه اِبْرِ بِسِ بِه كَيْ اسْتِ
 وَأَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ
 كَهْ اِزْ اَنْ بَارَانِ فَرُوغَزْتَادَةٌ اسْتِ
 الْمُعْجَمُ: واژه نامه

بگو	قُلْ	دارای	ذات	ستارگان «مفرد: نَجْم»	أَنْجُم
فروزان	مُسْتَعْرَةٌ	آن	ذَاكَ	نازل کرد	أَنْزَلَ
ریزان	مُنْهَمِرَةٌ	دارای	ذو	نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَةٌ»	أَنْعُم
تر و تازه	نَضِرَةٌ	زینت داد	زَانَ	پدید آورد	أَوْجَدَ
رشد کرد «مؤنثِ نَمَا»	نَمَتْ	اخگر (پاره آتش)	شَرَرَةٌ	کامل	بَالِغٌ
در می آورد	يُخْرِجُ	روشنایی	ضياء	پاره آتش	جَذْوَةٌ
		شاخه‌ها «مفرد: غُصْن»	غُصُونٌ	مرواریدها «مفرد: دُرٌّ»	دُرَّرٌ
		ابر	غَيْمٌ	این ← هَذَا مَنْ ذَا: «این کیست؟»	ذَا

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار لفتلو

(التعارف^۱ في مطار النجف الأشرف) (آشنایی در فرودگاه نجف اشرف)

<p>بکن از کارمندان در سالن فرودگاه أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ^۲</p>	<p>زائر آرامگاه امیرالمؤمنین علی (ع) زائر مرقد امیرالمؤمنین علی (ع)</p>
<p>و سلام و رحمت خدا بر شما و عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.</p>	<p>سلام بر شما السَّلَامُ عَلَيْكُم.</p>
<p>صبح بخیر و شادی صَبَاحَ النُّورِ وَ السُّرُورِ.</p>	<p>صبح بخیر ای برادر صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي.</p>
<p>من خوبم و تو چطور؟ أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟</p>	<p>حالت چطور؟ كَيْفَ حَالُكَ؟</p>
<p>ببخشید، اهل کجایی عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟</p>	<p>عزب تشریفدا بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.</p>
<p>اسم تشریف چیست؟ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟</p>	<p>من اهل جمهوری اسلامی ایران هستم. أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.</p>
<p>اسم من عبد الرحمان است. إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَانِ.</p>	<p>اسم حسین اینست و اسم تشریف تو چیست؟ إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟</p>
<p>نه من مسافرم. ولی دوست دارم که سفر کنم لَا؛ مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.</p>	<p>آیا سفر کردی به ایران یا الان؟ هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيْرَانٍ حَتَّى الْآنَ؟</p>
<p>آری خدا بخواهد؛ به امید دیدار به سلامت. إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى الْلِقَاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.</p>	<p>آری خدا بخواهد سفری کنی به ایران! إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيْرَانِ!</p>
<p>خدا حافظ ای دوست من. فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.</p>	<p>خدا حافظ فِي أَمَانِ اللَّهِ.</p>



۱- تعارف: آشنایی ۲- قاعة: سالن ۳- مطار: فرودگاه ۴- أن أسافر: که سفر کنم

اعلموا

صيغ الأفعال

با نام گذاری صیغه‌های (ساخت‌های) فعل‌ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نام صیغه ^۱ (ساخت) به فارسی و عربی	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ		
دوم شخص مفرد	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	إِفْعَلْ	لا تَفْعَلْ
	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لا تَفْعَلِي
سوم شخص مفرد	فَعَلَ	يَفْعَلُ		
	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ		
اول شخص جمع	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ		
دوم شخص جمع	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
سوم شخص جمع	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ		
	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ		
	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ		
	فَعَلْتَا	تَفْعَلَانِ		

۱- ارزشیابی از نام صیغه به صورت اول شخص مفرد، مفرد مذکر غایب یا للغائب از اهداف کتاب درسی نیست؛ لذا در امتحانات و کنکور از آن سؤال طرح نمی‌شود.

ترتيب الأفعال والضماير في اللغة العربية

الصيغة	الضمير المنفصل	الضمير المتصل	الفعل الماضي	الفعل المضارع	فعل الأمر	فعل النهي
١	هُوَ	هُ	فَعَلَ	يَفْعَلُ		
٢	هُمَا	هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ		
٣	هُمْ	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ		
٤	هِيَ	هَا	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ		
٥	هُمَا	هُمَا	فَعَلْتَا	تَفْعَلَانِ		
٦	هُنَّ	هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ		
٧	أَنْتِ	كَ	فَعَلْتِ	تَفْعَلُ	إِفْعَلِ	لا تَفْعَلِ
٨	أَنْتُمَا	كُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
٩	أَنْتُمْ	كُم	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	إِفْعَلُوا	لا تَفْعَلُوا
١٠	أَنْتِ	كِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	إِفْعَلِي	لا تَفْعَلِي
١١	أَنْتُمَا	كُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	إِفْعَلَا	لا تَفْعَلَا
١٢	أَنْتُنَّ	كُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	إِفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
١٣	أَنَا	سِي	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ		
١٤	نَحْنُ	نَا	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ		

إِعْلَمُوا

الضَّمَائِر

مثال	ضمير متصل	ضمير منفصل
من و خانواده‌ام	أَنَا و أُسْرَتِي سِي	من أَنَا
تو و دوست	أَنْتَ و صَدِيقُكَ كَ	تو أَنْتَ
	أَنْتِ و صَدِيقَتُكَ كِ	تو أَنْتِ
او و هم کلاسی اش	هُوَ و زَمِيلُهُ هُ	او هُوَ
	هِيَ و زَمِيلَتُهَا هَا	او هِيَ
ما و مدرسه‌مان	نَحْنُ و مَدْرَسَتُنَا نَا	ما نَحْنُ
شما و دوستانتان	أَنْتُمْ و أَصْدِقَاؤُكُمْ كُمْ	شما أَنْتُمْ
	أَنْتُنَّ و صَدِيقَاتُكُنَّ كُنَّ	
	أَنْتُمْ و صَدِيقَاكُمْ كُمَا	
	أَنْتُنَّ و صَدِيقَاتِكُنَّ كُمَا	
ایشان و هم کلاسی هایشان	هُمُ و زَمَلَاؤُهُمْ هُمْ	ایشان هُمُ
	هُنَّ و زَمِيلَاتُهُنَّ هُنَّ	
	هُمَا و زَمِيلَاهُمَا هُمَا	
	هُمَا و زَمِيلَتَاهُمَا هُمَا	

معنى الأفعال

نهي		امر		مضارع		ماضي		نام صيغه (ساخت) به فارسی	
				انجام می‌دهم		انجام دادم		اول شخص مفرد	
لا تَفْعَلْ		اِفْعَلْ		انجام می‌دهی		انجام دادی		دوم شخص مفرد	
لا تَفْعَلِي		اِفْعَلِي		انجام می‌دهد		انجام داد		سوم شخص مفرد	
				انجام می‌دهیم		انجام دادیم		اول شخص جمع	
لا تَفْعَلُوا		اِفْعَلُوا		انجام می‌دهید		انجام دادید		دوم شخص جمع	
لا تَفْعَلْنَ		اِفْعَلْنَ		انجام می‌دهند		انجام دادند		سوم شخص جمع	
لا تَفْعَلَا		اِفْعَلَا							
لا تَفْعَلَا		اِفْعَلَا							

اسم اشاره^۱

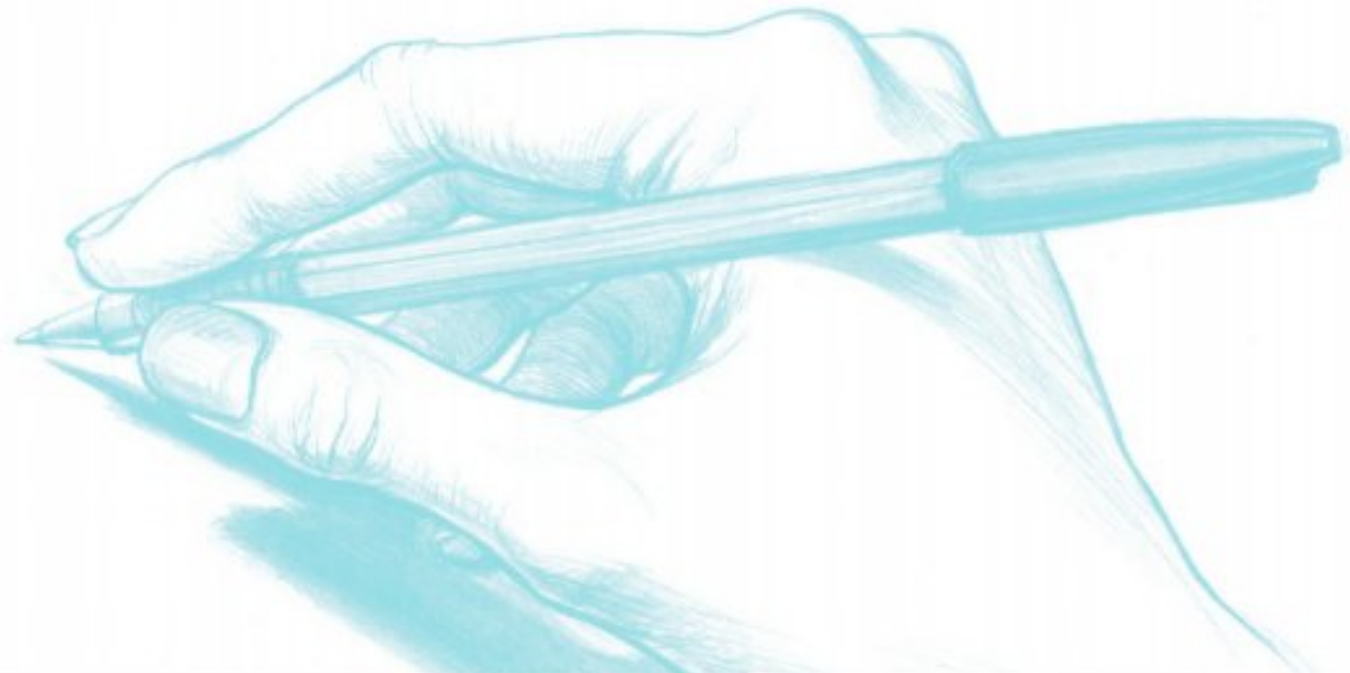
<p>هَذَا الْفَلَّاحُ</p>		<p>این کشاورز (مذکر)</p>
<p>هَذِهِ الْفَلَّاحَةُ</p>		<p>این کشاورز (مؤنث)</p>
<p>هَؤُلَاءِ الْفَلَّاحُونَ هَؤُلَاءِ الْفَلَّاحِينَ</p>		<p>این کشاورزان (جمع مذکر)</p>
<p>هَؤُلَاءِ الْفَلَّاحَاتُ</p>		<p>این کشاورزان (جمع مؤنث)</p>
<p>هَذَانِ الْفَلَّاحَانِ هَذَيْنِ الْفَلَّاحِينَ</p>		<p>این کشاورزان (مثنای مذکر)</p>
<p>هَاتَانِ الْفَلَّاحَتَانِ هَاتَيْنِ الْفَلَّاحَتَيْنِ</p>		<p>این کشاورزان (مثنای مؤنث)</p>

۱- اسم اشاره دور برای «مفرد مذکر: ذَلِكَ» و برای «مفرد مؤنث: تِلْكَ» به معنای «آن» است.
اسم اشاره دور برای «جمع مذکر» و «جمع مؤنث» به صورت مشترک «أُولَئِكَ» است.

ترجمه کن این عملها را و بنویس نوع فعل هارا.

التمرین الأول: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمَلِ، وَ اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

بنویس بر روی دیوار	لا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ:	بنویس نامهات را	اَكْتُبْ رِسَالَتَكَ:
فعل نهی		فعل امر	
آنرا بمن نویسد سریع	هُنَّ لَا يَكْتُبْنَ بِسُرْعَةٍ:	بنویسید تکالیفتان را	اَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ:
فعل مضارع منفی		فعل امر	
ما را ما خواهیم نوشت بصورتی	إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا:	خواهیم نوشت درسم را	سَأَكْتُبُ دَرْسِي:
فعل مستقبل		فعل مستقبل	
من نوشتند با رقت	كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدِقَّةٍ:	نوشتید تمرین هایتان را	مَا كَتَبْتُمْ تَمَارِينَكُمْ:
فعل ماضی استمراری		فعل ماضی منفی	



قرار بده در دایره عدد مناسباً. «یک طعمه اضافی است.»

التمرینُ الثانی: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.»

از سنک های زیبای گران دارای رنگ سفید

✓ من الأحجار الجميلة الغالية ذات اللون الأبيض.

پاره آتش آن فروزان است در آن روشنائی است و با آن حرارتی بیش

۲ جذوتها مستعرة، فيها ضياءٌ و بها حرارةٌ منتشرة.

ستاره ای است که می جرخد دور زمین روشنائی آن از خورشید است.

۳ گوگبٌ يدورٌ حول الأرض؛ ضياؤهٌ من الشمس.

بخاری فشرده در آسمان است که از آن باران می بارد.

۵ بخارٌ متراکمٌ في السماء ينزلٌ منه المطرُ.

از لباس های زنانه دارای رنگ های مختلف است.

۶ من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة.

قطعه ای جدا از آتش فروزان است.

۱ قطعةٌ منفصلةٌ عن النار المستعرة.

۱- الشَّرَرَةُ زبانه آتش

۲- الشَّمْسُ خورشید

۳- الْقَمَرُ ماه

۴- الْأَنْعُمُ نعمت ها

۵- الْغَيْمُ ابر

۶- الْفُسْتَانُ پیراهن زنانه

۷- الدُّرُّ مروارید ها

قرار بده این جمله ها و ترکیب ها را در جای مناسبشان.

التمرینُ الثالثُ: ضَعْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ التَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٌ / هَذَانِ الدَّلِيلَانِ / تَلِكِ الْبَطَّارِيَّةُ / أَوْلَئِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ /

هَاتَانِ زُجَاجَتَانِ

مثنای مؤنث	مثنای مذکر	مفرد مؤنث
هَاتَانِ زُجَاجَتَانِ این دو، شیشه هستند.	هَذَانِ الدَّلِيلَانِ این دو راهنما	تَلِكِ الْبَطَّارِيَّةُ آن باطری
جمع مکسر	جمع مؤنث سالم	جمع مذکر سالم
هُؤْلَاءِ الْأَصْدِقَاءُ این دوستان	هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٍ اینها برنده هستند	أَوْلَئِكَ الصَّالِحُونَ آن شایستگان

۱- ضَعْ: بگذار

بنویس وزن طعات زیر و حروف اصلی شان را.

الْتَمَرِينُ الرَّابِعُ : اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

- ۱- ناصِر، مَنْصُور، أَنْصَار: **فَاعِلٌ** .. **مَفْعُولٌ** .. **أَفْعَالٌ** نَصْر
- ۲- صَبَّار، صَبُور، صَابِر: **فَعَّالٌ** .. **فَعُولٌ** .. **فَاعِلٌ** صَبْر

قرابه مترادف ها و متضادها را در جای خالی مناسب

الْتَمَرِينُ الْخَامِسُ: ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي الْفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. = ≠

ضياء / نام / ناجح / مسرور / قریب / جمیل / نهایة / یمین / غالیة / شراء / مسموح / مُجَدِّ

چپ / راست یسار ≠ یمین	مردود / موفق راسب ≠ ناجح	ارزان / گران رخیصه ≠ عالیة
دور / نزدیک بعید ≠ قریب	آغاز / پایان بداية ≠ نهایة	فروش / خرید بیع ≠ شِراء
روشنایی / تاریکی نور = صیبا	زشت / زیبا قبیح ≠ جمیل	خوابید / بیدار رَقَدَ = نام
عبر / مجاز ممنوع ≠ مسموح	کوشا / مجتهد مُجْتَهِدٌ = مُجَدِّ	ناراحت / خازین مَسْرُورٌ ≠ تَبَادُر

الْتَمَرِينُ السَّادِسُ: أَرَسِّمُ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا
٥ : ٤٥'



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ
٨ : ٣٠'



الْخَامِسَةُ وَ الرَّبْعُ
٥ : ١٥'

۱- فراغ: جای خالی

﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

إِبْحَثْ فِي الْإِنْتَرِنْتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمَلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظَمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.

جبال كَبيركوه في مَدِينَةِ بَدْرَةَ بِمُحَافَظَةِ إِيلَام



﴿ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا ﴾

آلِ عِمْرَانَ: ١٩١

١- مُسْتَعِينًا بِ: بِاِسْتِفَادَةٍ مِنْ

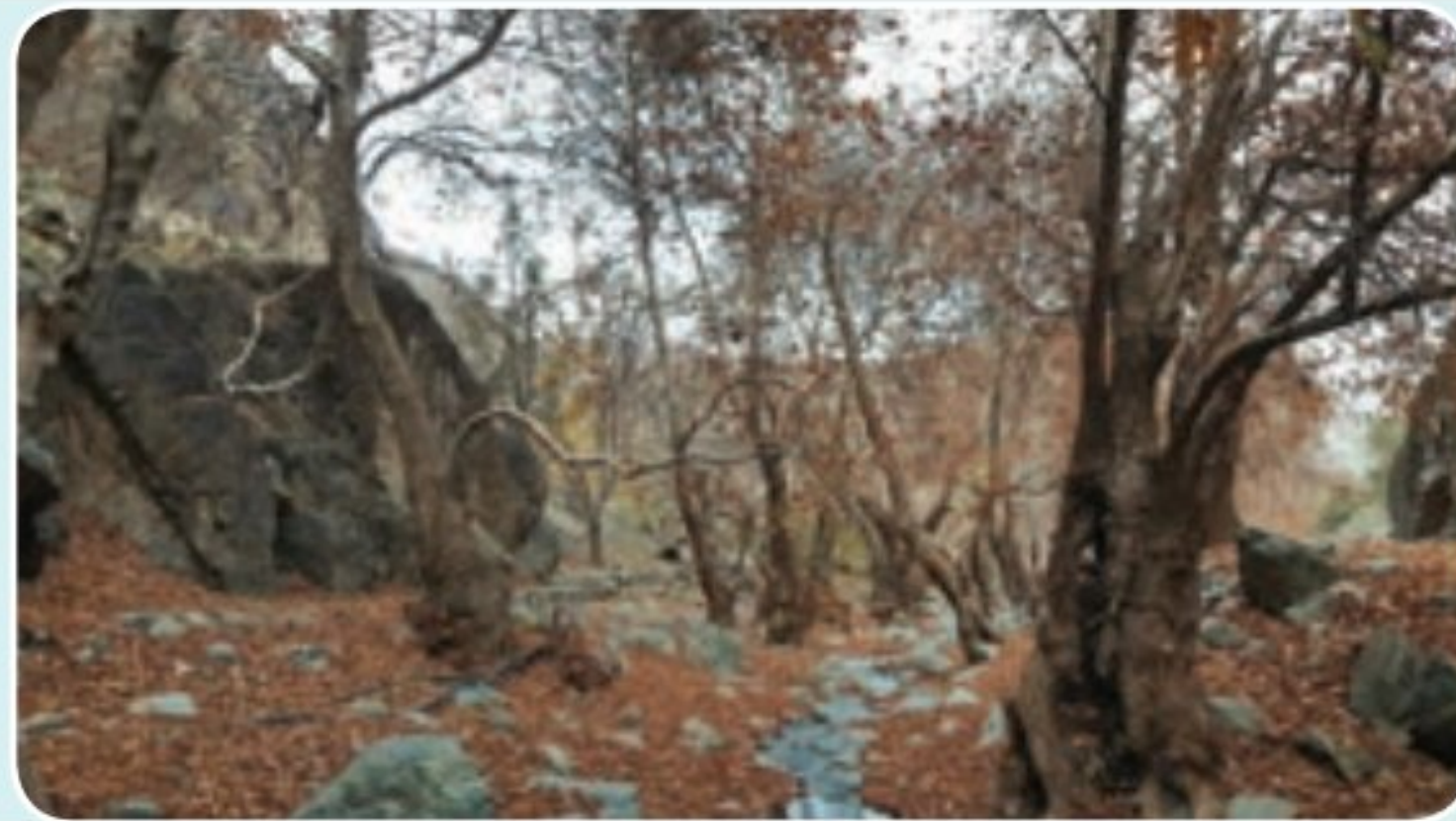
شاطئ كوشكنار في محافظة هرمزجان



عين راميان في محافظة غلستان



وادي دلفارذ في محافظة كرمان





الدَّرْسُ الثَّانِي



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً.

ساعتي اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

المواعظ العديّة من رسول الله ﷺ پندهای عدی از رسول خدا (ص)



سَبْعٌ يَجْرِي لِلْعَبْدِ لِأَجْرُهُنَّ وَهُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ: مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، أَوْ أَجْرِي حَقِّبَتْهُ اسْتِغْفَارًا، أَوْ حَقَّرَ بَيْتًا، أَوْ غَرَسَ نَخْلًا، أَوْ رَدَى رَا، يَأْكُلُ جَاهِي، يَأْكُلُ دِرْهَمًا فَرِيًّا، يَأْكُلُ بَنِي مَسْجِدًا، أَوْ وَرَثَ مُصْحَفًا، أَوْ تَرَكَ وَلَدًا يَسَافِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. /

هفت چیز جاری می شود برای بنده پاداشش در حالی که او در قبرش است بعد از مرگش: کسی که پاداد علمی یا جاری نهد، یا گند چاهی را، یا کاشت درخت فریایی را، یا ساخت مسجدی را، یا بارت گذاشت قدر آبی را، یا بر جای گذاشت فرزندی را که آموزش می فرزند برای او بعد از مرگش.

جَعَلَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِئَةَ جُزْءٍ، فَأَمْسَكَ عِنْدَهُ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ جُزْءًا وَأَنْزَلَ فِي الْأَرْضِ جُزْءًا وَاحِدًا، فَمِنْ ذَلِكَ الْجُزْءِ يَتَرَا حَمُّ الْخَلْقِ. /
قدار رحمت را صد جزء، پس نگه داشت نوزده نود و نه جزء را و نازل کرد در زمین یک جزء را، پس از آن جزء به هم هر بانی می کنند مردم.



﴿ إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْاِثْنَيْنِ، وَطَعَامَ الْاِثْنَيْنِ يَكْفِي الثَّلَاثَةَ وَالْأَرْبَعَةَ،
 هَمَاذَا غِزَى بِنَفْسِكَ أَنْتَ بَرَاءٌ لِلْمَنْزِلِ وَالْمَنْزِلُ بَرَاءٌ لَكَ مِنْهُ وَجَاهُ نَفْسٍ،
 كُلُوا جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا، فَإِنَّ الْبَرَكَاتَ مَعَ الْجَمَاعَةِ.
 بخورد به همگی و بر آنزده نشوید پس هاما برکت با جماعت است .



﴿ اِثْنَانِ خَيْرٌ مِنْ وَاحِدٍ وَثَلَاثَةٌ خَيْرٌ مِنْ اِثْنَيْنِ وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ فَعَلَيْكُمْ
 دُونِ نَفْسٍ هَتْرَازِ بِنَفْسِكَ وَجَاهُ نَفْسٍ هَتْرَازِ بِنَفْسِكَ بِسَبْتِهَا
 بِالْجَمَاعَةِ.
 به گروه بودن .



﴿ مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً، ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ.
 هر کس خالص شود برای خداوند چهل صبح ظاهر می شود چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش .
 ﴿ أَرْبَعَةٌ قَلِيلٌ كَثِيرٌ: الْفَقْرُ وَالْوَجْعُ وَالْعَدَاوَةُ وَالنَّارُ.
 چهار چیز کمش زیاد است : فقر و درد و دشمنی و آتش .
 ﴿ الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ، تِسْعَةٌ أَجْزَاءٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.
 عبادت ده جزء است، نه جز در طلب حلال است .

۱- لا تَفَرَّقُوا ← لا تَتَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید



آفریدگان به هم مهربانی می‌کنند	يَتَرَاحَمُ الْخَلْقُ	کاشت	غَرَسَ	جاری کرد	أَجْرِي
جاری است ، جاری می‌شود	يَجْرِي	بخورید	كُلُوا	مُخْلِصٌ شَدَّ، يَكْرَنْگٌ شَدَّ	أَخْلَصَ
آمرزش می‌خواهد	يَسْتَغْفِرُ	پراکنده نشوید	لَا تَفَرَّقُوا	به‌دست گرفت و نگه داشت	أَمْسَكَ
بس است	يَكْفِي	صد	مِئَةٌ	ساخت	بَنَى
برای دو نفر بس است	يَكْفِي الْإِثْنَيْنِ	به ارث گذاشت	وَرَّثَ	یاد داد	عَلَّمَ
جوی‌های پر آب، چشمه‌ها «مفرد: يَنْبُوع»	يَنْبِيع				

معین کن درست و نادرست را بر اساس متن درس .
عَيْنُ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



- ✓ ۱- يَجْرِي أَجْرٌ حَفْرُ الْبَيْرِ لِلْعَبْدِ وَ هُوَ فِي قَبْرِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ. /
جاری می‌شود پاداش گذرن چاه برای بنده درحالی‌که او در قبرش است بعد از مرگش.
- ✗ ۲- أَنْزَلَ اللَّهُ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ جُزْءًا مِنَ الرَّحْمَةِ لِلْخَلْقِ.
فرود فرستاد خداوند نود و نه قسمت از رحمت را برای خلق.
- ✗ ۳- الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٍ، جُزْءٌ وَاحِدٌ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.
عبادت ده قسمت است، یک قسمت در طلب روزی حلال است.
- ✓ ۴- يَجْرِي أَجْرُ اسْتِغْفَارِ الْوَالِدِ لِلْوَالِدَيْنِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا.
جاری می‌شود پاداش آمرزش خواستن فرزند برای پدر و مادر بعد از مرگشان.
- ✗ ۵- إِنَّ طَعَامَ الْإِثْنَيْنِ لَا يَكْفِي الثَّلَاثَةَ.
همانا غذای دو نفر برای سه نفر کافی نیست.

۱- عَيْنُ: مشخص کن

إِعْلَمُوا الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الْأَعْدَادُ الْأَصْلِيَّةُ (وَاحِدٌ إِلَى عِشْرِينَ)		الْأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ (الْأَوَّلُ إِلَى الْعِشْرِينَ)	
وَاحِدٌ ١	أَحَدَ عَشَرَ ١١	الْأَوَّلُ ١م	الْحَادِي عَشَرَ ١١م
إِثْنَانِ ٢	إِثْنَاعَشَرَ ١٢	الثَّانِي ٢م	الثَّانِي عَشَرَ ١٢م
ثَلَاثَةٌ ٣	ثَلَاثَةَ عَشَرَ ١٣	الثَّلَاثُ ٣م	الثَّلَاثَ عَشَرَ ١٣م
أَرْبَعَةٌ ٤	أَرْبَعَةَ عَشَرَ ١٤	الرَّابِعُ ٤م	الرَّابِعَ عَشَرَ ١٤م
خَمْسَةٌ ٥	خَمْسَةَ عَشَرَ ١٥	الخَامِسُ ٥م	الخَامِسَ عَشَرَ ١٥م
سِتَّةٌ ٦	سِتَّةَ عَشَرَ ١٦	السَّادِسُ ٦م	السَّادِسَ عَشَرَ ١٦م
سَبْعَةٌ ٧	سَبْعَةَ عَشَرَ ١٧	السَّابِعُ ٧م	السَّابِعَ عَشَرَ ١٧م
ثَمَانِيَةٌ ٨	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ١٨	الثَّامِنُ ٨م	الثَّامِنَ عَشَرَ ١٨م
تِسْعَةٌ ٩	تِسْعَةَ عَشَرَ ١٩	التَّاسِعُ ٩م	التَّاسِعَ عَشَرَ ١٩م
عَشْرَةٌ ١٠	عِشْرُونَ ٢٠	العَاشِرُ ١٠م	العِشْرُونَ ٢٠م

١- به کلمات «رجال» و «گوبآ» در «خمسۀ رجال» و «أحد عشر گوبآ» معدود^١ گفته می‌شود.

٢- گاهی عددهای ثلاثه تا عَشْرَة بدون «ة» می‌آیند؛ مثال: ثلاث و ثلاثه؛ أربع و أربعة.

٣- «مئة» به معنای «صد» به صورت «مائة» نیز نوشته می‌شود.

٤- عددهای عِشْرُونَ، ثلاثون، أربعون ... و تِسْعُونَ به صورت عِشْرِينَ، ثلاثين، أربعين ... و تِسْعِينَ نیز می‌آیند.

٥- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می‌آید؛ مثال: «خمسۀ وَعِشْرُونَ» یعنی «بیست و پنج».

٦- وزن «الفاعل» در عددهای ترتیبی «الثاني» تا «العاشر» به تشخیص آنها از عددهای اصلی، کمک می‌کند.

١- دانستن قواعد معدود از اهداف کتاب نیست.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمِ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

سسی شب	ثَلَاثِينَ لَيْلَةً ﴿الْأَعْرَافُ: ١٤٢﴾
هفتاد مرد	سَبْعِينَ رَجُلًا ﴿الْأَعْرَافُ: ١٥٥﴾
هفتاد در	سَبْعَةَ أَبْوَابٍ ﴿الْحِجْرُ: ٤٤﴾
شصت فقیر	سِتِّينَ مِسْكِينًا ﴿الْمُجَادَلَةُ: ٤﴾
شش روز	سِتَّةَ أَيَّامٍ ﴿ق: ٣٨﴾
صد دانه	مِئَةَ حَبَّةٍ ﴿الْبَقَرَةُ: ٢٦١﴾
یازده ستاره	أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا ﴿يُوسُفُ: ٤﴾
دوازده ماه	إِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا ﴿التَّوْبَةُ: ٣٦﴾

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار گفتگو

(في مطار النجف الأشرف) (در فرودگاه نجف اشرف)

گردشگری از ایران سائحٌ مِنَ الْكُوَيْتِ	گردشگری از ایران سائحٌ مِنْ إِيران
سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. و عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. سلام بر شما
تسبیح خیر ای عزیزم. مَسَاءَ النُّورِ يَا عَزِيزِي.	تسبیح خیر ای دوست من. مَسَاءَ الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي.
نه! من اهل کویت هستم. آیا تو اهل پاکستان هستی؟ لَا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتَ مِنَ الْبَاسْمِ؟	آیا جناب عالی عراقی هستید؟ هَلْ حَضَرْتَكِ مِنَ الْعِرَاقِ؟
آمد برای بار اول؛ و چند بار تو آمدی؟ جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَ كَمْ مَرَّةً جِئْتَ أَنْتَ؟	نه؛ من ایران هستم. چند بار آمدی برای زیارت؟ لَا؛ أَنَا إِيرانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتَ لِلزِّيَارَةِ؟
چند سالته؟ كَمْ عُمْرُكَ؟	من آمدم برای بار دوم. أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
از کدام شهر هستی تو؟ مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟	عمر من شصت و نه سال است. عُمْرِي سِتَّةٌ عَشْرَ عَامًا.
چه زیباست جنگل‌های مازندران و طبیعت آن! مَا أَجْمَلٌ غَابَاتِ مازندران وَ طَبِيعَتُهَا!	من از شهر جویبار در استان مازندران هستم. أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جَوِيبَارِ فِي مَحَافِظَةِ مازندران.
بله؛ رفتیم برای زیارت امام رضا، هفت تن از ما (ع). نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِّيَارَةِ الْإِمَامِ الرُّضَا، ثَامِنِ أَيْمَتِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.	آیا رفتی به ایران از قبل؟ هَلْ ذَهَبْتِ إِلَى إِيرانِ مِنْ قَبْلُ؟!
همایه ایران کشوری بسیار زیباست، إِنَّ إِيرانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جِدًّا، وَ الشَّعْبُ الْإِيرانِيُّ شَعْبٌ مِضِيافٌ.	چگونه باقتی دیدی ایران را؟ كَيْفَ وَجَدْتِ إِيرانَ؟

وملت ایرانی مردمی همان درست هستند.



۱- سائح: گردشگر ۲- ما أجمل: چه زیباست! ۳- شعب: ملت ۴- مضياف: مهمان دوست

بنویس عملیات حساب زیر را مانند مثال.

التمرین الأول: اکتب العمليات الحسابية التالية كالمثال.

(+ زائد^١) (- ناقص^٢) (÷ تقسیم علی) (× فی، ضرب فی)

١- عشرة^٣ في ثلاثة يساوي^٤ ثلاثين. $10 \times 3 = 30$

٢- تسعون ناقص عشرة يساوي ثمانين. $90 - 10 = 80$

٣- مئة تقسیم علی خمسة يساوي عشرين. $100 \div 5 = 20$

٤- ستة في أحد عشر يساوي ستة وستين. $6 \times 11 = 66$

٥- خمسة و سبعون زائد خمسة و عشرين يساوي مئة. $75 + 25 = 100$

٦- اثنان و ثمانون تقسیم علی اثنين يساوي واحداً و أربعين. $82 \div 2 = 41$

بنویس در جای خالی عدد ترتیبی مناسب.

التمرین الثاني: اکتب في الفراغ عدداً ترتيبياً مناسباً.

روز دومی از روزهای هفته روز یکشنبه است.

- ١- اليوم الثاني من أيام الأسبوع يوم الأحد.
روز ششم از روزهای هفته روز پنجشنبه است.
- ٢- اليوم السادس من أيام الأسبوع يوم الخميس.
فصل چهارم در سال ایرانی، فصل زمستان است.
- ٣- الفصل الرابع في السنة الإيرانية فصل الشتاء.
فصل سوم در سال ایرانی فصل پاییز است.
- ٤- الفصل الثالث في السنة الإيرانية فصل الخريف.
میرد برنده اول جایزه ای طلابی، و برنده دوم جایزه ای نقره ای.
- ٥- يأخذ الفائز الأول جائزة ذهبية، و الفائز الثاني جائزة فضية.

٣- برای اختصار کلمه «ضرب» در «ضرب فی» حذف می شود.

٢- ناقص: منهای

١- زائد: به علاوه

٤- يساوي: مساوی است

بنویس درجاهاى خالى اعدادى مناسب .

التمرین الثالث: اكتب في الفراغات اعداداً مناسبة.

من واحد إلى ثلاثين				
واحد ١	اثنان ٢	ثلاثة ٣	أربعة ٤	خمس ٥
ستة ٦	سبعة ٧	ثمانية ٨	تسعة ٩	عشرة ١٠
أحد عشر ١١	اثنا عشر ١٢	ثلاثة عشر ١٣	أربعة عشر ١٤	خمس عشر ١٥
ستة عشر ١٦	سبعة عشر ١٧	ثمانية عشر ١٨	تسعة عشر ١٩	عشرون ٢٠
واحد وعشرون ٢١	اثنان وعشرون ٢٢	ثلاثة وعشرون ٢٣	أربعة وعشرون ٢٤	خمس وعشرون ٢٥
ستة وعشرون ٢٦	سبع وعشرون ٢٧	ثمانية وعشرون ٢٨	تسعة وعشرون ٢٩	ثلاثون ٣٠

ار بیست تا نود من عشرين إلى تسعين

عشرون ٢٠	ثلاثون ٣٠	أربعون ٤٠	خمسون ٥٠
ستون ٦٠	سبعون ٧٠	ثمانون ٨٠	تسعون ٩٠

قرار بده در حای های عدد مناسب از اعداد زیر سپس ترجمه این جمله را بدو طعم اصنافی است

التَّمْرَيْنِ الرَّابِعُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا مِنَ الْأَعْدَادِ التَّالِيَةِ ثُمَّ تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ.»

ده صر پنج بیست پنجاه سه
عَشْرًا / مِئَةً / خُمْسًا / عِشْرِينَ / خَمْسِينَ / ثَلَاثَةً

۱- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا﴾ العنكبوت: ۱۴

و فرستادیم نوح را به سوی قوفش پس در آن در میان آن نهد و پنجاه سال ^{۹۵۰ سال}

۲- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ... أَمْثَالِهَا﴾ الأنعام: ۱۶۰

هر کس نیکی بیارد پس ده برابر آن پاداش دارد

۳- الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ..... صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ، وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.

رسول الله ﷺ

صبر سه نوع است؛ صبر به هنگام مصیبت، و صبر بر بندگی، و صبر در مقابل گناه

۴- عِلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: الْوَرَعُ فِي الْخُلُوعِ، وَالصَّدَقَةُ فِي الْقِلَّةِ، وَالصَّبْرُ عِنْدَ

الْمُصِيبَةِ، وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَالصَّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ. الإمام السَّجَّادُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نشانه های مومن پنج چیز است: پرهیزکاری در تنهایی، و صدقه دادن در کم پولی، و صبر به هنگام مصیبت، و بردباری هنگام خشم، و راستگویی هنگام ترس

مصیبت، و بردباری هنگام خشم، و راستگویی هنگام ترس



۱- اَرْسَلْنَا: فرستادیم ۲- لَبِثَ: اقامت کرد، ماند ۳- جَاءَ بِ: آورد ۴- حِلْمٌ: بردباری